

در هر دو شرط و طاربعه و نحو امر معروف و نهی منکر این چهار در بیان شرط خامر
 که بعضی اعتبار کرده اند و بعضی نه و در آن دو باب و یک حدیث مذکور است این است
 اما مردن الناس بالبری و هر کبر مقتدا عند الله تبارک و تعالی لیسوا بهیچ یوم حیات
 سیرک هر بدانکه طلب و ذی از وجه حلال میباشد نه از حرام و شرح آن در ضمن لغات
 و یک نمایش گذار شده است اما خامر بدینست و در پیشش و تم این باب نفسی شده است
 که در من یقول الله یجعل له مخرجاً مما یشاء بیان آنکه در ذی مخصوص است بحلال و دانست
 جوی که میگویند حرام نیز رزق است در آن یک باب و در ذی وجه شده این در خامر
 حدیث اول که عند رسول الله صلی الله علیه و آله از جاء عن ابن عمر الحدیث قال
 لا احضوا ثناء علیک انت کما اثبت حدیث چهارم هر سند که خصراً امیر المؤمنین علیه
 علیه السلام بجهت خانه خریدن شریح فاضول شافرموه اند و شرحی که آن در ضمن آغاز
 و انجام سر انجام یافته آغاز بدینست و این چهار در آنکه میتوانند بود که مراد بخانه و کلام
 خصراً امیر معنی دیگر باشد بیان مذکور حدیث با اینست که هر در نهی از اعانت ظالم و حکم
 نویسند سلاطین بفرمانت با امام جعفر صادق علیه السلام و شرح آن اشغال یافته
 و آغاز و یک نمایش و انجام آغاز بدینست و ما پیش بیان آنکه اعانت ظالم حرام است
 و اگر چه بفعل مباح باشد و در ضمن آن یک باب سعادت و وجه شده این در کلام
 الی الذین ظلموا حدیث اول مال حیات عقد شمس عقد او و یکت هم و کاه و هر
 عاقب طایین یک سلطان جائز است در داخل اعوان الظالمین من بیعت الابرار
 استدلال با این حدیث و آنکه در حالت نوع روح قبل از حصول موت احوال از نشاء بر
 ظاهر میباشد و در آن حدیث با توجه بلندتر یافته است اول از بجز احد کم من الذین
 و هر با عقیبه قبل الله من العباد يوم القيمة الا هذا الامر سیم تا چار و همان
 حدیث شانزدهم دعای امیر المؤمنین علیه السلام بواسطه ادای فرض حدیث هفدهم